

جایگاه برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس در تجارت چوب میان ایران و روسیه در عصر قاجار، با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۳۰۱-۱۳۲۵ق. / ۱۸۸۳-۱۹۰۸م.)

سید رحمان حسنی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۳/۱۰

چکیده

از اقلام تجاری ایران - که در مناسبات بازرگانی ایران و روسیه جایگاه خاصی داشت - چوب بود. گونه‌های مختلف درختان شمال ایران در کرانه‌های دریای خزر، تأثیر مهمی در تجارت ایران عصر قاجار با روسیه بویژه از راه دریای خزر داشت. این مسئله، از اواسط دوره ناصری با گشایش و رونق راه‌های تجاری شمال و وجود راه آبی عظیم دریای خزر، نمود عینی پیدا کرد و این خود، ناشی از این واقعیت بود که سنگینی محمولات چوبی و انتقال و جابجائی آن، ضرورت راه آبی را ایجاب می‌کرد. از میان انواع درختان، شمشاد و گردو بیش‌ترین نقش را در تجارت چوب ایران داشتند. این امر، باعث گردید تا تجار زیادی به تجارت چوب‌آلات بپردازند. بزرگ‌ترین امتیازداران چوب جنگل‌های شمال، برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس بودند. آن‌ها، یونانی‌تبار و شهروند روسیه بودند و در تجارت چوب شمال ایران، بیش از دو دهه انحصار تجارت چوب را در اختیار داشتند. مقاله حاضر، درصدد ترسیم تجارت چوب ایران به دست برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس، از طریق بنادر دریای خزر در عصر قاجار، از ۱۳۰۱-۱۳۲۵ق. / ۱۸۸۳-۱۹۰۸م.، براساس اسناد آرشیوی است. نویسنده، ابتدا به شرح وضعیت تجارت چوب پیش از برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس، صاحبان تجارتخانه کوسیسی پرداخته، آن‌گاه به بررسی واگذاری امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های شمال به ایشان می‌پردازد. در پایان، پیامدهای این قرارداد مطرح می‌گردد.

کلید واژه‌ها:

بررسی‌های تاریخی / بازرگانی خارجی / چوب / جنگل‌ها / گیلان / مازندران / قاجاریه / ناصرالدین قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ق. / روسیه / عصر امتیازات / قراردادهای تجاری / اتباع بیگانه / بازرگانان / تخریب محیط زیست / شرکت کوسیسی

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران در مؤسسه شرق‌شناسی و میراث خطی فرهنگستان علوم تاجیکستان.

مقدمه

چوب و فرآورده‌های آن نظیر تیر و تخته و زغال، چه برای مصارف داخلی و یا حتی برای صادرات بخصوص به روسیه یا دیگر کشورها، از اواسط دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق.) مورد توجه قرار گرفت و وارد مرحله خاصی شد. رونق راه‌های شمالی، رشد و توسعه بنادر دریای خزر مانند باکو و حاجی‌ترخان در روسیه و انزلی در ایران، گسترش تأسیسات راه‌آهنی در روسیه و بنادر آن و توسعه حمل و نقل دریائی و کشتیرانی، سبب گردید تا حمل و نقل محمولات چوبی به رغم سنگینی آن، آسان شود.

تجار داخلی و خارجی، هر کدام با گرفتن امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های شمال و چوب‌آلات آن، تلاش وسیعی به انجام رساندند. در این میان برادران کوسییس و تئوفیلاکتوس بیش‌ترین نقش را در تجارت چوب داشتند. آن‌ها اهل یونان بودند، ولی شهروند روسیه به شمار می‌آمدند. مراکز عمده فعالیتشان ادسا، باکو، رشت و بارفروش (بابل) بود. برادران کوسییس به طور جدی از ۱۳۰۱ تا ۱۳۲۵ق. در عرصه تجارت چوب و فرآورده‌های آن در شمال ایران و صادراتش به روسیه یا به اروپا فعال بودند و مورد حمایت شدید روس‌ها قرار داشتند.

پژوهش حاضر، تجارت چوب ایران را به دست برادران کوسییس و تئوفیلاکتوس، از طریق بنادر دریای خزر در عصر قاجار، از ۱۳۰۱ تا ۱۳۲۵ق./ ۱۸۸۳-۱۹۰۸م. به‌خوبی ترسیم کرده و به تصویر کشانده است. از طرف دیگر، چون پایه و اساس این تحقیق بر اسناد آرشیوی استوار گردیده، قابل تأمل و تعمق است.

تجارت چوب پیش از برادران کوسییس و

تئوفیلاکتوس

انواع درختان آزاد، بلوط (مازو)، افرا، چنار، سرو جنگلی، سپیدار، شمشاد، گردو، مرس، نارون، زبان

گنجشک، توسکا و درختان خاردار، نمونه‌هایی از درختان جنگل‌های شمال است.^۱ از میان درختان مذکور، شمشاد و گردو در تجارت نقش مهمی داشته‌اند. به طور کلی چوب درختان را چه برای ساخت اسباب و ابزار چوبی، ساختن خانه، قایق و کشتی و یا فراهم کردن زغال و دیگر مصارف داخلی و یا برای صدور به روسیه، قطع می‌کردند. چوب درخت شمشاد - که در عصر قاجار فراوان بوده - به مقدار زیادی از طریق بنادر ایران در دریای خزر، به مقصد روسیه و یا حتی اروپا از بنادر روسی حاجی‌ترخان و باکو حمل می‌گردید. به عنوان نمونه، چوب شمشاد از طریق حاجی‌ترخان به رستو در ساحل رودخانه دن و لیورپول انگلستان صادر می‌شده است.^۲

در عصر قاجار بویژه پیش از مشروطه، دولت سیاست ثابت و پایداری در مورد جنگل نداشت؛ گاهی مسئولان دولتی، حکم بر منع قطع درختان جنگلی صادر می‌کردند - حکمی که کم‌تر به اجرا درمی‌آمد - و گاهی بریدن درختان جنگلی به شکل بی‌قاعدگی انجام می‌گرفت.^۳

نویسندگان رساله‌های اقتصادی عصر قاجار، همگی از کوتاهی و غفلت دولت قاجار در امر جنگلداری و قطع درختان و نحوه عملکردشان خرده گرفته‌اند، و در نوشته‌های خود بدان اشاره کرده‌اند. حتی اعتراض اهالی را می‌توان درباره عملکرد دولت در عرض حال‌های فهمید که برای مجلس تحقیق مظالم فرستاده می‌شد.^۴

جنگل، در عصر قاجار از دیدگاه دولت متعلق به شاه بود. این مسئله را می‌توان از فرمان ناصرالدین شاه استنباط کرد. وی گفته است: «جنگل، عموماً مال دولت است و مداخله در آن، باید به حکم دولت باشد.»^۵

دولت، دست‌کم تا نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی/ سیزدهم هجری و تا سال ۱۲۷۹ق./ ۱۸۶۳م. فروش

و روسیه به تجارت می‌پرداختند و در ایران علاوه بر تجارت چوب، در دیگر زمینه‌ها از جمله زیتون (کشت و تجارت) فعالیت داشتند. از میان برادران یاد شده، بزرگ‌ترین ایشان در ادسا بود که مرکز اصلی تجارتخانه آن‌ها در آن شهر قرار داشت. دو برادر دیگر یعنی کوسییس و تئوفیلاکتوس، در باکو می‌زیستند. این دو برادر، شعبات فرعی را در باکو و بارفروش (بابل) اداره می‌کردند. این تجارتخانه، یک نمایندگی در رشت داشت.

برادران کوسییس، از وضعیت مالی خوبی برخوردار بودند و سرمایه‌گذاری آن‌ها را در جنگل‌های شمال ایران، در حدود ۵۰۰۰،۰۰۰ فرانک تخمین زده‌اند. برادران کوسییس، ابتدا، از این که بهره‌برداری از جنگل‌های شمال در انحصار آن‌ها باشد، خودداری ورزیدند و براساس قراردادهای خصوصی، به ادامه تجارت با مالکان جنگل‌ها ادامه دادند.^{۱۱}

واگذاری امتیاز چوب‌آلات جنگل‌های شمال به برادران کوسییس

پیش از واگذاری کامل امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های شمال از آستارا تا استرآباد به برادران کوسییس در تاریخ ۵ رمضان ۱۳۰۷ق. / ۲۶ آوریل ۱۸۹۰م.^{۱۲} آنان در سال ۱۳۰۱ق. / ۱۸۸۳م. امتیاز حمل چوب شمشاد را از دولت ایران به دست آورده بودند و در همان سال یکصد هزار اصله چوب شمشاد از اهالی مازندران و گیلان خریداری کرده بودند. دولت مرکزی نیز اجازه صدور آن را به روسیه، به آن‌ها داد و مقرر گردید، در ازای حمل این محمولات چوب، مبلغ هزار و پانصد تومان مالیات به دولت ایران پرداخت نمایند.^{۱۴}

هنگامی که در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۸۸۹ / ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۰۶ق. بارون جولوس رویتر [Baron Julius de Reuter] امتیاز بانک‌ها، معادن

جنگل را ممنوع کرده بود. از تاریخ مذکور به بعد بخصوص با گشایش راه شمال در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق. / ۱۸۴۷-۱۸۹۵م.) و حضور و فعالیت برخی تاجران خارجی در امر خرید و فروش و تجارت چوب، قطع و بریدن درختان شمال و واگذاری این امتیاز، مرسوم شد.^{۱۶}

از مهم‌ترین کسانی که پیش از واگذاری امتیاز چوب‌آلات شمال به برادران کوسییس و تئوفیلاکتوس در تجارت چوب و دریافت آن از دولت نقش داشتند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: واگذار شدن امتیاز چوب در سال ۱۲۷۹ق. / ۱۸۶۳م. به فرمان ناصرالدین شاه به میرزا سعیدخان انصاری (مؤتمن‌الملک)، وزیر امور خارجه وقت^{۱۷} و واگذاری از وی به میرزا مسعودخان، کارپرداز وقت ایران در حاجی‌ترخان (آستاراخان)^{۱۸}؛ واگذاری امتیازفروش چوب‌آلات آشوراده به نجفقلی، کارگزار وزارت خارجه در استرآباد در سال ۱۲۸۵ق. / ۱۸۶۸م.^{۱۹}؛ واگذاری امتیاز چوب سواحل شمال ایران از آستارا تا تنکابن مازندران به خواجه یوحنا مسیحی، شهروند ایران در تاریخ ربیع‌الثانی ۱۲۸۸ق. / ۱۸۷۱م.^{۲۰}؛ واگذاری امتیاز قطع و فروش جنگل‌های گیلان و مازندران و استرآباد از سرحد آستارا تا رود اترک به میرزا علی‌خان امین‌الملک، وزیر رسایل خاصه و وظایف و اوقاف در تاریخ ۲۰ جمادی‌الآخر ۱۲۹۸ق. / ۱۸۸۱م.^{۲۱}

برادران کوسییس، چه کسانی بودند؟

مهم‌ترین قراردادی که در مورد امتیاز چوب‌آلات جنگل‌های شمال منعقد گردید، قرارداد با برادران کوسییس بود. برادران نامبرده، یونانی‌تبار و شهروند دولت روسیه بودند که عمده تجارت چوب با روسیه و یا حتی ترانزیت چوب از روسیه به اروپا، در اختیار آن‌ها بوده است.

برادران کوسییس، سه تن بودند. آن‌ها در ایران

و حق انتشار اسکناس را به دست آورده بود، امتیاز جنگل ضمیمه آن بود. رویت هم نمی توانست آن را نادیده بگیرد. این امتیاز، بهانه خوبی برای حضور انگلستان در شمال ایران و مرز روسیه بود.

محمدولی خان تنکابنی (نصرالسلطنه) - که در سال ۱۳۰۷ق. / ۱۸۸۹م. با دادن رشوه به ناصرالدین شاه، حاکم استرآباد شده بود - به نظر می رسد در همان زمان با دادن رشوه به شاه، امتیاز جنگل شمال را به دست آورده بوده است. او در آن زمان همکاری نزدیکی با انگلستان داشت. همکاری نصرالسلطنه با انگلستان، به جایی رسید که نمایندگان آن کشور در ایران، ناصرالدین شاه را زیر فشار گذاشته بودند تا حاج محمدحسن امین‌الضرب را از ریاست ضرابخانه دولتی برکنار کند و به جای وی، محمدولی خان تنکابنی را جانشین سازد. به هر حال در تاریخ مذکور (۱۳۰۷ق. / ۱۸۸۹م.) قرارنامه جنگل میان محمدولی خان و چارلز دوفیلد (Charles Du Field)، رئیس بانک نوین شرق به کوشش دراموند ولف (D.WOLF)، سفیر انگلستان - که در آن زمان در گرفتن اکثر امتیازات از ایران نقش داشت - منعقد گردید.^{۱۰}

مدت امتیاز قرارنامه جنگل پنج سال بود و قرار شد سالیانه یکصد هزار اصله درخت از گیلان و یکصد و پنجاه هزار اصله درخت از جنگل‌های مازندران قطع نمایند.

در سال ۱۳۰۷ق. / ۱۸۹۰م. میان صاحبان امتیاز و چوب‌بران، به دلیل دستمزد پائین اختلاف درگرفت. از طرفی، روس‌ها از فرصت بهره جستند و مخالفت نشان دادند و حضور انگلیسی‌ها را در شمال تهدیدی برای خود قلمداد کردند. علاوه بر این، روس‌ها مداخله نظامی را هم به میان کشیدند. دراموند ولف، سفیر انگلستان نیز سعی در برقراری سیاست مسالمت‌آمیز داشت و از طرف دیگر، امتیاز نفت و تنباکو در میان بود. در نتیجه، انگلستان و

چارلز دوفیلد، دست از این امتیاز کشیدند. این اقدام، علاوه بر خسارت ۸,۰۰۰ لیره‌ای که برای نصرالسلطنه (دولت ایران) در پی داشت، باعث گردید که چارلز دوفیلد در همان زمان امتیاز و سهم خود را به دو سرمایه‌دار یونانی تبار شهروند روسیه بفروشد. این دو سرمایه‌دار - همانطور که پیش از این گفته شد - برادران کوسیسیس و تئوفیلاکتوس بودند. به نظر می رسد برادران کوسیسیس، حتا در زمان واگذاری امتیاز چوب آلات شمال (۱۲۷۹ق. / ۱۸۶۲م.)، به میرزا سعیدخان انصاری (مؤتمن‌الملک)، وزیر امور خارجه وقت ایران، با ایشان در امر خرید و فروش چوب‌آلات فعال بوده‌اند. افزون بر این، برادران کوسیسیس در زمان واگذاری امتیاز چوب شمال ایران به میرزا مسعودخان، کارگزار (کارپرداز) حاجی ترخان، با او هم معامله چوب داشته‌اند.^{۱۱}

سرانجام در تاریخ ۵ رمضان ۱۳۰۷ق. / ۲۶ آوریل ۱۸۹۰م. به خاطر این که مشکلی برای طرفین قرارداد پیش نیاید و کار بهره‌برداری جنگل و چوب‌آلات در امر تجارت، هم برای ایرانیان و هم برای برادران کوسیسیس آسان پیش برود، قراردادی میان میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان و برادران کوسیسیس منعقد گردید.^{۱۲}

قرارداد بهره‌برداری از جنگل‌های شمال و چوب‌آلات آن - که سراسر کرانه‌ها و مناطق ساحلی خزر را از آستارا تا استرآباد در برداشت - در نوع خودش و باتوجه به فعالیت وسیع امتیازداران در این زمینه بی‌نظیر بوده است. باتوجه به امکانات و سرمایه‌گذاری کلانی که برادران کوسیسیس و تئوفیلاکتوس در امر تجارت چوب‌آلات به کار انداخته‌اند، بزرگ‌ترین تجارتخانه را در این زمینه تشکیل داده‌اند. بنابر ماده سوم قرارنامه، امتیازداران فوق، سالیانه می‌توانستند یکصد هزار اصله درخت از جنگل‌های شمال قطع و به خارج صادر کنند. هرچند در امتیازنامه تأکید گردیده بود که چنانچه

بیش از مقدار مذکور درخت قطع شود، عاملان، مشمول جریمه خواهند شد؛ اما به دلیل نبود نظارت دقیق در تجارت این محصول، درختان را بی‌رویه قطع و صادر می‌کردند.

قرارداد مذکور، دوبار و در طی سال‌های ۱۳۱۲ق. / ۱۸۹۵م.^{۱۸} و ۱۳۱۷ق. / ۱۹۰۰م. تمدید گردید.^{۱۹} مضمون و محتوای قرارنامه شبیه به هم بود. مدت قرارداد اولیه پنج سال بود و قرارداد دوم هم به مدت ۵ سال منعقد شد. اما آخرین یعنی سومین قراردادی که میان برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس به امضا رسید، مدتش ۸ سال اشاره شده است. این قرارداد، در تاریخ ۱۴ رجب ۱۳۱۷ق. / ۱۹۰۰م. به امضا رسید و شروع آن از ابتدای ۱۴ رجب ۱۳۱۷ق. / ۲۱ مارس ۱۹۰۰م. و خاتمه آن نیز ۱۴ رجب ۱۳۲۵ق. / ۲۱ مارس ۱۹۰۸م. بوده است.

در قرارداد جدید، مدت امتیاز هشت سال ذکر گردید. علاوه بر این، قرار شد طبق فصل چهارم قرارداد، صاحب امتیاز سالیانه مبلغ ۱۵,۰۰۰ تومان به دولت ایران بابت اجاره پرداخت نماید و اجاره پنج سال اول را - که مبلغ ۷۵,۰۰۰ تومان بود - یکجا به دولت ایران مساعده بدهد و سه سال آخر را در هر سال ۱۵,۰۰۰ تومان پرداخت کند. باتوجه به نوشته حاشیه قرارداد، به نظر می‌رسد مبلغ اجاره سالیانه از ۱۵,۰۰۰ تومان به ۲۰,۰۰۰ تومان تغییر پیدا کرده است.^{۲۰}

قرارداد ۱۳۱۷ق. / ۱۹۰۰م. در پنج فصل به امضا رسید. طبق این قرارداد، تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس اجازه داشت به بهره‌برداری از جنگل و چوب‌آلات شمال، از جنگل آستارا و گیلان و کلارستاق و کجور و مازندران و استرآباد بپردازد. البته برخی مناطق - که به شخص شاه قاجار تعلق داشت - مانند از ابتدای رودخانه چالوس تا انتهای آن، اراضی کالیجه‌رود تا آخر نهر رودبار کنار دریا، از دهنه مرداب رود کلاردشت تا کنار دریا، تمام

اطراف جلگه کجور و جلگه کلاردشت و... از قرارداد مستثنا بود.

فصل اول و چهارم قرارداد مذکور، به عنوان نمونه در زیر آورده می‌شود:

«فصل اول: تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس، از طرف دولت علیه ایران مختار و مجاز است که از جنگل آستارا و گیلان و کلارستاق و کجور و مازندران و استرآباد، از هر قبیل چوب‌آلات گرفته، حمل به خارجه نماید، از هر قبیل هیزم و تخته و کره گردو [کهنه گردو] و زغال و شمشاد و زربین و غیره؛ هم [چنین] هرکس بخواهد چوب بگیرد و اسباب تخته‌بری راه بیندازد، باید فقط به اجازه مخصوصه از تجارتخانه مزبور بوده باشد، لاغیر و در وقت حمل باید که حقوق دیوانی را به تجارتخانه مزبوره بپردازد و به جهت احتیاج داخله ممالک ایران، موافق معمول سابق رفتار شود.

فصل چهارم: باید این قرارداد در مدت هشت سال، ابتدا از بیست و یکم ماه مارس هزار نهصد و سیصد و سی [فروردین] سیچقان نیل [سال موش] لغایت بیست و یکم مارس هزار و نهصد و هشتاد و هشت مسیحی برقرار خواهد بود و از بابت هر سال، مبلغ پانزده هزار تومان تجارتخانه مزبوره به اولیای دولت قاهره، کارسازی دارند و از حال تاریخ و امضای این قرارنامه، تجارتخانه مزبوره مبلغ هفتاد و پنجهزار ریال بابت پنج سال اول به رسم مساعده بدهد و بعد از انقضای پنج سال، سه ساله آخر، هر سالی پانزده هزار تومان در بیست و یکم مارس عاید خزانه عامره کرده، سند پامهر دریافت نماید و زیاده از این مبلغ نباید با هم مالیات و گمرک و راهداری و غیره وجهی از تجارتخانه مزبوره مطالبه شود.»^{۲۱}

قرارنامه مذکور با تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس، هرگونه فعالیت تجارتي را در زمینه چوب‌آلات، مرهون اجازه از آن تجارتخانه کرده بود. این قرارداد، محدودیت و موانع زیادی برای تاجران

داخلی ایجاد کرد. به همین دلیل فشارهای زیادی بر تجار داخلی وارد می‌شد. نبود نظارت دولتی بر محمولات چوبی از یک طرف و حمایت نکردن از تاجران داخلی، باعث شد تا قرارداد چوب‌آلات با تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس، پیامدهائی منفی به دنبال خود داشته باشد.

دولت روسیه - که در همه موارد از امتیازداران خود در ابعاد گوناگون حمایت می‌کرده - در این زمینه غافل نمانده و پشتیبانی جانانه‌ای از اتباع خود در ایران به عمل آورد. این مورد را بخصوص در تمدید امتیاز برداران کوسییس و تئوفیلاکتوس در سال ۱۳۱۷ق. / ۱۹۰۰م. داشتیم. هنگامی که دومین قرارنامه تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس با دولت مرکزی رو به اتمام بود، تجارتخانه مذکور و وکیلش، مسیو شارل، تلاش وسیعی جهت تمدید آن انجام داد. دولت مرکزی، بارها تأکید کرد که حاضر به تمدید قرارداد نیست. حتی وزیر امور خارجه وقت، نصرالله مشیرالدوله بارها تأکید داشت که اولیای دولت، مقرر داشته‌اند که جنگل‌ها را دولت اداره نماید و تجدید امتیاز مقدور نیست.

پافشاری در ابقای قرارداد، سبب گردید که حتا عنوان شود چوب‌های شمشاد به کمپانی فرانسوی فروخته شده است. سرانجام اصرار امتیازداران و حمایت شدید دولت روسیه از این امر، باعث گردید که قرارداد در سال ۱۳۱۷ق. / ۱۹۰۰م. با شرحی که پیش‌تر داده شد، به تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس واگذار گردد.^{۲۲}

سند زیر، نوشته وزارت امور خارجه به سفارت روسیه است که بعد از پافشاری زیاد امتیازداران و تقاضای دولت روسیه، نشان از نرمش و عقب‌نشینی دولت ایران در زمینه واگذاری امتیاز مذکور است:

«سواد وزارت خارجه به سفارت روسیه

نمره ۸۶ / ۱۳۸، شعبان‌المعظم ۱۳۱۷

چون امتیاز قطع چوب‌آلات سواحل بحر

خزر، موافق اجاره‌نامه به تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس واگذار شده بود و این اوقات، مدت اجاره‌نامه مزبوره منقضی شده است، به صوابدید اولیای دولت علیه، موافق اجاره‌نامه از حالا تا مدت هشت [سال] مجدداً امتیاز واگذار گردید. محض اطلاع خاطر محترم آن جناب جلالات مقام مزاحمت برآمده، احترامات فائمه را تجدید می‌نماید. زیاده زحمت امر نمی‌شود. (مشیرالدوله)^{۲۳}

بعد از امضای قرارداد در تاریخ ۱۴ رجب ۱۳۱۷ق. / ۲۱ مارس ۱۹۰۰م.، سواد قرارنامه با محتوای زیر در تاریخ ۲۰ رجب همان سال در دفتر وزارت خارجه ثبت گردید:

«محل مهر شیر [و] خورشید دولت، به تاریخ بیستم شهر رجب‌المرجب ۱۳۱۷ به ثبت دفتر قرارنامه دیوان محاکمات وزارت امور خارجه شد.

سواد قرارنامه از طرف صدارت عظمی

۱۷ شهر رجب‌المرجب ۱۳۱۷

تجدید قرارداد چوب‌آلات از طرف اولیای دولت قاهره به تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس ... تمام جنگل‌های بحر خزر، از سرحد آستارا الی استرآباد، به مدت هشت سال از تاریخ انقضای قرارداد قبلی ... از قرار سالی بیست هزار تومان پردازد ... و بعد از انقضای پنج سال، هر ساله سالی بیست هزار تومان به قسط پردازد.»^{۲۴}

پیامدهای قرارداد واگذاری جنگل و چوب‌آلات شمال به برادران کوسییس

از پیامدهای منفی قرارداد واگذاری امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌ها و چوب‌آلات شمال، اختلاف و درگیری در امر خرید و فروش چوب‌آلات میان تجار داخلی و صاحبان امتیاز و عاملان آنها بود. چون هرگونه معاملات و تجارت، می‌بایستی به اذن امتیازداران صورت می‌گرفته است؛ در غیر این صورت به مصادره چوب تاجران منجر می‌گردید.

شاهد موثق در این زمینه، درگیری میان تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس با یکی از تجار سرشناس بارفروش (بابل) به نام میرمحمدعلی معینالتجار بارفروشی است.

بنابر اسناد موجود،^{۲۵} تاجر مذکور در سال ۱۳۱۶ق. / ۱۸۹۸م. در اواخر دوران حکومت عبدالله خان نوری (۱۳۰۶-۱۳۱۶ق. / ۱۸۸۸-۱۸۹۸م.) در مازندران، در حدود هشتاد و سه پارچه کره گردو (کهنه گردو) از محل‌های مختلف مازندران خریداری کرده بود. مقدار هفتاد و سه پارچه آن را در تجارتخانه خود در بارفروش نگهداری می‌کرد و ده پارچه دیگر را در قریه‌ای نزدیک ساری گذاشته بود. در آن زمان، کوسیسی ارمنی به عبدالله خان نوری شکایت کرد و با دادن رشوه به او، چوب‌های گردوی تاجر مذکور بارفروش را مصادره کرد و در اختیار تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس قرار داد. قیمت چوب‌های کره گردو (کهنه گردو) نزدیک به چهار هزار تومان بود. از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۲ق. / ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۴م. بارها از سوی میرمحمد علی معینالتجار بارفروشی به کارگزاری خارجه مازندران شکایت شده بود. در زمان عبدالله خان نوری (حاکم مازندران)، هیچگونه ترتیب اثری به شکایت محمدعلی معینالتجار داده نشد. به همین دلیل اختلاف به سال‌های بعد کشانده شد. قرار گردید جهت حل و رفع اختلافات در کارگزاری خارجه مازندران مجلسی تشکیل شود. اما کوسیسی، با این توجیه که امتیاز قطع و بریدن و تجارت درختان کره گردو و شمشاد در اختیار تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس است، طفره می‌رفت و حاضر نمی‌شد و با این استدلال که تاجر بارفروش، می‌باید مبلغ چهارهزار تومان وثیقه بگذارد، در مجلس کارگزاری خارجه مازندران حضور می‌یافت.

گفتنی است که طبق گفته تاجر بارفروش، وی چوب‌های کهنه گردو را با هزینه زیاد از محلات

مختلف بارفروش و دیگر محلات مازندران خریداری کرده بود، و ربطی به مناطق تحت اجاره مستأجران نداشته است. به هر حال واقعه مذکور، نمونه‌ای از موارد اختلافات تاجران داخلی با تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس بوده است. هر چند دولت مرکزی سعی می‌کرده که از تاجران داخلی حمایت نماید، اما به دلیل نفوذ صاحبان امتیاز و حمایت شدید دولت روسیه، در عمل نمی‌توانسته حق تاجران داخلی را ادا کند.

در زیر، به دو نمونه سند مربوط به اختلاف میرمحمدعلی معینالتجار بارفروشی و تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس اشاره می‌شود:

«سواد کاغذ وزارت خارجه به کارگزاری استرآباد

۵ شهر ربیع‌الاول ۱۳۲۲ [۱۹۰۴م.]

درباب طلب معینالتجار بارفروش از تجارتخانه کوسیسی‌ها، از شرحی که اظهار داشته و سواد یادداشتی را که به قونسولگری روس ارسال داشته بودید، مطلع شدم. باز نتیجه را به وزارت خارجه اطلاع دهید. [مشیرالدوله]^{۲۶}»

«عرض و استدعای میرمحمدعلی معینالتجار بارفروش

[به وزات امور خارجه]

در ۲۴ شهر شعبان ... درخصوص اصلی کوسیسی، تاجر یونانی، بابت هشتاد و سه پارچه کره گردو و تشریف آوردن قونسول صاحب در بارفروش عرض داشتیم؛ به جواب آن سرفراز نشدم. استدعا و عجز به آستان مبارک که جواب عریضه کرده، مرحمت فرموده تا به دعاگوئی حضرت اجل اکرم افخم اعظم اشرف برقرار باشم. دائم عزت و جلالت و شوکت مستدام باد و [السلام].^{۲۷}»

یکی از مواردی که به نوعی نشان‌دهنده فشار و سختگیری از ناحیه تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس و عاملان آن‌ها به تاجران اهالی شمال

است، اعلانیه‌ای بود که در سال ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م. در سر گذرها و معابر عمومی شهر بارفروش (بابل) و دیگر مناطق شمالی مبنی بر خاتمه و پایان یافتن امتیاز بهره‌برداری برادران کوسیسیس از جنگل و چوب‌آلات شمال بوده است. در اعلانیه مذکور، اشاره شده که مهلت امتیاز به سرآمد و هر کسی از تجار داخله و خارجه در تجارت و حمل چوب به خارج آزاد است. انتشار این اعلانیه، به اعتراض صاحبان امتیاز انجامید و آن را به وزارت امور خارجه ایران گزارش دادند و خواستار رسیدگی به این امر شدند.^{۲۸} وزارت امور خارجه ایران، نوشته‌ای به کارگزاری مازندران ارسال داشت و در آن تأکید کرد که مهلت امتیازنامه پایان نیافته و کسی، بدون اجازه حق خرید چوب‌آلات ندارد. در زیر سند اعلانیه و نوشته وزارت امور خارجه به کارگزاری مازندران، آورده شد:

«اعلان به اهالی مازندران

به عموم اهالی مملکت طبرستان از اعیان و اشراف و کسبه و تجار و ارباب ملک و رعایا، رسماً اعلان و اعلام می‌شود، به موجب حکمی که از طرف اولیای دولت قاهره رسیده، قدغن چوب‌آلات از بنادر بحر خزر به خارجه برداشته شده است و بعد از این، هر کسی می‌تواند با کمال آزادی از هر قبیل چوب حمل به خارجه نماید و ابداً احدی حق ممانعت و جلوگیری از تجار را ندارد. با نهایت آسایش مشغول این شعبه از کسب خود باشند.

۲۰ شهر صفرالمظفر ۱۳۲۳، نایب‌الایاله»^{۲۹}

به دنبال اعلانیه مذکور، وزارت امور خارجه، نوشته‌ای به کارگزاری مازندران فرستاد و در آن تأکید کرد که امتیازنامه هنوز پایان نیافته و هیچکس بدون اجازه حق تجارت چوب‌آلات را ندارد:

«سواد کاغذ به کارگزاری مازندران

[از سوی وزارت امور خارجه (نصرالله

مشیرالدوله)]

«مورد اعلانیه‌ای که صادر شده، مبنی بر پایان قرار کوسیسیس و آزادی عمومی و اهالی و به محلات مختلف بارفروش و استان ... باید گفته شود قرار، هنوز به پایان نرسیده و کسی بدون اجازه تجارتخانه مذکور حق اجازه از خرید و فروش چوب‌آلات را ندارد.»^{۳۰}

یکی دیگر از پیامدهای منفی قرارداد واگذاری امتیاز چوب‌آلات شمال به برادران کوسیسیس و تئوفیلاکتوس، ضرب و شتم عاملان تجارتخانه کوسیسیس و تئوفیلاکتوس به دست اهالی روستای علی‌آباد کجور نور و روستای صلاح‌الدین قلعه (صلاح‌الدین کلا) در غرب مازندران بوده است. در این ماجرا، به نظر می‌آید که حتا مأموران دولت نقش داشته‌اند. در منطقه علی‌آباد کجور، عده‌ای از اهالی از قطع درختان شمشاد جلوگیری به عمل آورده‌اند و کرجی‌بان‌ها و کدخدا و عمله‌جات تجارتخانه مذکور را مورد ضرب و شتم قرار دادند. کشتی‌هایی هم که از باکو برای حمل چوب‌آلات به ساحل آمده بود، خالی به باکو برگشتند و در نتیجه، به چوب‌هایی که در کنار ساحل جهت حمل جمع‌آوری شده بود، خسارت جدی وارد شد؛ به طوری که از گرمای آفتاب ترک برداشته‌اند.

علاوه بر این، رعایای روستای صلاح‌الدین کلا، بر سر گماشتگان تجارتخانه کوسیسیس ریخته و ممانعت از بریدن چوب کردند و آن‌ها را کت بسته و طناب به گردن انداخته، محبوس کردند و حتا کرجی‌بان‌های تنکابن را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند و مانع از حمل چوب به وسیله پراخود (کشتی باری) آن‌ها شده‌اند. در این برخورد، چوب‌های انبار شده تجارتخانه کوسیسیس و تئوفیلاکتوس و حتا خانه‌عامل تجارتخانه را در بچلیم دره، برخی اهالی روستای مذکور مورد نهب و غارت قرار داده و به آتش کشیده‌اند. این مسئله، به اعتراض صاحبان امتیاز انجامیده و ادعای طلب خسارت کرده‌اند. سفارت

روسیه هم، حمایت شدیدی از این تجارتخانه تبعه خود کرده و خواستار جبران خسارت وارده از سوی دولت ایران گردید.^{۳۱}

از مواردی که گویای وضع اسفبار تجارت چوب‌آلات از سوی تجار داخلی است، شکوائیه و گلایه تجار و رعایای رشت بود. تاجران داخلی - که سر و کارشان با تجارت چوب‌آلات بود - در کنار پرداخت عوارض گمرکی صدی پنج، می‌بایستی طبق قرار از هر یکصد تومان، دو سوم تومان به تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس پرداخت می‌کردند. علاوه بر این، کشتی‌های شرکت‌های مختلف که در امر حمل و نقل دریای خزر نقش داشته‌اند، بخصوص آن‌ها که در امر حمل و نقل چوب‌آلات فعال بودند، چوب‌شانه را - که پوطی (پودی) پنج هزار قیمت داشت - شش‌هزار دینار حق امتیاز می‌گرفتند. این مسئله را می‌توان از نامه وزارت داخله اداره گیلان - که در تاریخ ذیحجه ۱۳۲۴ق. / ۱۹۰۶م. برای صدراعظم وقت ارسال شد - فهمید.^{۳۲}

حمل محموله‌های چوبی، شاید کم‌ارزش تلقی می‌گردید؛ با وجود این، به دلیل مشتریان خوب آن در روسیه و حتا اروپا، از ارزش بالائی برخوردار بوده است. حتا پیش از واگذاری امتیاز چوب و تجارت آن به برادران کوسییس، دست‌کم تا سال ۱۲۸۷ق. / ۱۸۷۰م. علاوه بر صدور چوب شمشاد به روسیه، از راه دریای خزر و از طریق روسیه، به ارزش ۳۰,۰۰۰ لیبره، محموله‌های چوب شمشاد به انگلستان صادر گردید. در اوایل قرن بیستم میلادی، سرمایه‌گذاری تجارتخانه کوسییس در امر چوب‌آلات بیش از ۵۰۰,۰۰۰ روبل بوده است.^{۳۳}

اما آنچه در این تجارت درخور ملاحظه است، حمل چوب درختان شمشاد و گردو بود که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است و در خود روسیه، در ساخت ابزارآلات چوبی بخصوص در فابریک‌های اسلحه‌سازی کاربرد زیادی داشته

است. وجود دریای خزر و تأسیسات راه‌آهنی در بنادری نظیر باکو و حاجی‌ترخان، باتوجه به سنگینی محموله‌های چوبی، حمل آن را آسان می‌کرد.

از موارد دیگری که تأثیر مخرب و جبران‌ناپذیر بر جنگل‌های شمال وارد ساخت، قطع بی‌رویه درختان بویژه درختان گردو و شمشاد بوده است. هرچند در قرارداد با تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس ذکر شده بود که سالیانه شرکت مذکور، موظف به حمل یکصد هزار اصله چوب درختان است، اما هیچ وقت در عمل به آن توجهی نشد و صاحبان امتیاز، همواره در امر قطع چوب درختان بخصوص شمشاد و کره گردو (کهنه گردو) افراط و تفریط می‌کرده‌اند.

به طوری که در اسناد هم اشاره شده است، حتا سالیانه چهارصد هزار درخت گرانبهای شمشاد را قطع کردند و همچون برگ خزان روی هم انداخته و به خارج حمل می‌کرده‌اند. از طرفی چون درخت‌های شمشاد بعد از قطع دوباره سبز نمی‌شدند؛ در نتیجه به نابودی این ثروت طبیعی و خدادای می‌انجامید که متعلق به عموم اهالی بوده است.

علاوه بر آنچه در امر تجارت چوب‌آلات گفته شد، به نکات دیگری هم باید اشاره کرد که امر تجارت چوب‌آلات را با مشکل مواجه می‌ساخت. دسترسی به مناطق غیرمسکونی در اعماق جنگل‌ها، ساخت جاده‌ها و خانه‌ها و انتقال ماشین‌آلات و لوازم کار به داخل جنگل‌ها جهت قطع و حمل و نقل درختان، به‌سختی و با مشکلات فراوانی انجام می‌شده است. دخالت مسئولان بالای حکومتی و کارمندان عالیرتبه دولتی که دارای نفوذ سیاسی بودند و خود را مخالف هرگونه غصب اراضی در نواحی مجاور محل سکونتشان نشان می‌دادند، بر مشکلات تجارت چوب‌آلات می‌افزود.

قطع و بریدن بی‌رویه درختان جنگل، آسیب‌هایی جدی بر پیکره جنگل‌های شمال وارد ساخت. تنها اقدامی که دولت در دوره مورد تحقیق در جهت



درآمد ناشی از آن به جیب صاحبان امتیاز می‌رفته است. قیمت صادرات چوب در برخی از سال‌ها به مبلغ ۲۵۰,۰۰۰ تومان می‌رسید.^{۳۵}

به عنوان نمونه، به گزارش‌هایی از برخی کنسول‌های انگلیس در ایران در مورد چوب شمشاد اشاره می‌کنیم که نشان از محو تدریجی چوب شمشاد دارد. در سال ۱۲۹۳ق. / ۱۸۷۶م. چرچیل، یکی از کنسول‌های انگلیس، طی گزارشی اعلام کرد که حدود ۶۰,۰۰۰ قطعه چوب شمشاد به وزن ۲,۱۷۰ تن و به ارزش ۲۳,۰۸۰ لیره استرلینگ از گیلان صادر شده است. کنسول مذکور، در گزارش دیگری اظهار داشته که در سال ۱۲۹۲ق. / ۱۸۷۵م، حدود ۲۰۰,۰۰۰ درخت شمشاد را در گیلان و مازندران قطع کرده‌اند.

رابینو، یکی دیگر از کنسول‌های انگلیس، در سال ۱۳۲۴ق. / ۱۹۰۶م. طی گزارشی بیان داشت که حدود ۲,۱۰۰ تن چوب شمشاد به ارزش ۴,۱۴, ۴ لیره از مازندران صادر شد که ۱۲۶,۰۰۰ قطعه بوده است.^{۳۶} به نظر می‌رسد، هر قطعه چوب شمشاد شامل

ترمیم و عمران جنگل‌ها کرد، در سال ۱۳۱۸ق. / ۱۹۰۰م. بود که یک نفر آلمانی را - که در امر جنگلداری تخصص داشت - به خدمت درآورد. اما او را برای سرکشی خالصه‌جات دولتی مازندران مأمور کردند. تنها اقدام فرد مذکور، ایجاد جنگل کوچکی در دره جاجرود در نزدیکی تهران بود که اختصاص به شکارگاه شاهی داشته است.^{۳۴}

درآمد دولت قاجار از فروش چوب و صادرات آن
درآمد دولت از ناحیه فروش چوب‌آلات و یا از طریق واگذاری امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌ها، کم بوده است. سالیانه بیش از دویست هزار اصله درخت از جنگل‌های سواحل بحر خزر قطع و به خارج صادر می‌شده است. به هر حال از ۱۲۸۷ق. / ۱۸۷۰م. به بعد، سالیانه چوب‌های زیادی از جنگل‌های شمال به خارج (روسیه و اروپا) صادر شده است. از زمان واگذاری امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های شمال از آستارا تا استرآباد به برادران کوسیس، مقدار صادرات چوب افزایش پیدا کرد. اما

را بعد از خاتمه قرارداد برادران کوسیس تشریح و تجزیه و تحلیل نمائیم. چون این مهم، خارج از موضوع تحقیق است. اما به طور خلاصه و فهرست‌وار به مهم‌ترین افراد و تاجرانی که در این امر سرمایه‌گذاری کردند، اشاره می‌شود. بعد از پایان یافتن قرارداد امتیاز واگذاری چوب به برادران کوسیس، اشخاص متعددی در زمینه جنگل و چوب‌آلات شمال ایران سرمایه‌گذاری کردند. مهم‌ترین آن‌ها، شامل موارد زیر است:^{۳۹}

۱. هیبت زینلاف، از اهالی لنکران در اردبیل.
۲. تقی اف و مائیگوف، سرمایه‌داران معروف باکوئی در جنگل‌های گیلان.
۳. خوشتاریا در تالش.
۴. ربرت اشتومب سوئیسی.
۵. آلبرت ادر اتریشی با کمک یک شرکت ایرانی - فرانسوی.

۶. حسن جلال‌الدین اختر و تلاش او در جذب شرکت‌های آلمانی در تجارت چوب شمال ایران. به هر روی، همان‌طوری که پیش‌تر گفته شد، هیچیک از سرمایه‌گذاران خارجی و در کنار آن ایرانی بعد از قطع بی‌رویه درختان، درصدد ترمیم جنگل برنیامدند و دولت مرکزی هم تلاشی در این زمینه صورت نداد. این مسئله، رفته رفته به تخریب جنگل‌های شمال انجامید و زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار آورد.

نتیجه

باتوجه به اسناد و مدارکی که در این تحقیق بدان استناد شده است، جایگاه و نقش برادران کوسیس و تفویلاکتوس در تجارت چوب میان ایران و روسیه در عصر قاجار به‌خوبی آشکار می‌شود. از اواسط دوره ناصری، تاجران داخلی و خارجی هر کدام با گرفتن امتیازات بهره‌برداری از چوب جنگل‌های شمال، وارد عرصه تجارت چوب شدند. بزرگ‌ترین

یک درخت می‌شده است. به هر حال، قطع بی‌رویه درختان نه تنها در تخریب جنگل‌ها تأثیرگذار بود، بلکه باعث از میان رفتن تدریجی برخی از گونه‌های درختان نظیر شمشاد گردید.

چرچیل، کنسول انگلیس در جای دیگر و طی گزارشی در سال ۱۳۱۱ق. / ۱۸۹۳م. در مورد وضعیت درختان شمشاد اشاره کرده: «در گیلان و استرآباد، به‌سختی می‌توان درخت شمشاد پیدا کرد. عرضه این درخت‌ها به اتمام رسیده است.»^{۳۷} علاوه بر این قطع درختان، چه برای مصارف خارجی و داخلی و یا حتا برای مصرف زغال - که سوخت بیش‌تر مردم نقاط ایران بود - در آب و هوای مناطق شمالی کشور تأثیرگذار بوده است. چرا که بسیاری از درختان بلند از جمله شمشاد، در جذب باران مؤثر بودند.

برای پایان بردن به این بحث، گفته‌ه‌ل. رابینو را در تألیفش، *ولایات دارالمرز ایران - گیلان* اشاره می‌کنیم که نه تنها ارزش چوب‌آلات را می‌رساند، بلکه علاوه بر آن پیامدهای ناگوار تجارت چوب را فاش می‌سازد:

«... دیگر LUP (زگیل گیاه) در این منطقه دیده نمی‌شود. زیرا همه به خارج حمل گردیده است. لوپ، زگیلی است که روی درخت‌های کهنه گردو می‌روید و می‌گویند فقط در زمین‌های صخره‌ای و کوهستانی دیده می‌شود. این توده چوب‌های سخت، طول زیادی دارند و برگ‌های آن مثل کاغذ باریک است و برای روکاری و روکش به کار می‌رود. صادرکنندگان، بیش‌تر وقت‌ها پس از آن‌که به آسانی زگیل چوب‌ها را به دست می‌آورند، خود درخت را بیرحمانه از بین می‌برند.»^{۳۸}

سرنوشت تجارت چوب بعد از قرارداد برادران کوسیس

در این‌جا، برآن نیستیم که وضعیت تجارت چوب

امتیازداران بهره‌برداری از جنگل و چوب‌آلات شمال، برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس بودند که بیش از دو دهه در امر تجارت چوب و فرآورده‌های آن فعالیت داشتند.

قطع و بریدن درختان در دوره مورد تحقیق، بی‌رویه صورت می‌گرفته است و نظارت درستی بر آن انجام نمی‌شده و حتا امتیازداران برخلاف قرارداد منعقد، بیش از مقدار تعیین شده درخت قطع می‌کرده‌اند. این مسئله، اندک اندک به تخریب جنگل و محو برخی از گونه‌های درختان نظیر شمشاد و کهنه گردو (کره گردو) انجامید و هیچگونه اقدام و کوششی از سوی دولت در جهت ترمیم و آبادانی خرابی‌های جنگل انجام نشد. بنابراین در دوره مورد تحقیق، از یک طرف با رونق و شکوفائی تجارت چوب روبرو هستیم و از طرف دیگر، نبود نظارت صحیح دولت، باعث ویرانی و تخریب بسیاری از جنگل‌های شمال گردید. این مسئله، در آب و هوای مناطق شمالی کشور بویژه در تنزل بارش و حتا خشکسالی تأثیرگذار بوده است.

عمده تجارت چوب و فرآورده‌های آن، از طریق بنادر دریای خزر به روسیه و حتا به صورت ترانزیت به اروپا صورت می‌گرفته است. یافته‌های موجود در این پژوهش، جایگاه و نقش برادران کوسیسی را در تجارت چوب میان ایران و روسیه در دوره مورد تحقیق بخوبی روشن می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱- جرج. ن. کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ ۴ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳)، جلد ۲، ص ۶۰۰؛ منوچهر ستوده، *از آستارا تا استارآباد*، چاپ ۲ (تهران: آگاه، ۱۳۷۴)، جلد ۳، صص ۳۷-۶۷.

۲- کرزن، پیشین، ص ۵۹۹؛ ه. ل. رابینو، *ولایات دارالمرز*

ایران - گیلان، ترجمه جعفر خمایی‌زاده، چاپ ۳ (رشت: طاعتی، ۱۳۶۶)، صص ۴۴ و ۴۵.

۳- فریدون آدمیت و هما ناطق، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار* (تهران: آگاه، ۱۳۵۶)، ص ۲۸۶.

۴- همان.

۵- همان.

۶- هما ناطق، *بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو* (برپایه آرشیو امین‌الضرب)، چاپ ۲ (تهران: توس، ۱۳۷۳)، ص ۳۵.

۷- همان؛ آدمیت و ناطق، پیشین، صص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۸- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۲۳-۱۲-۱۲۸۵-۱۲۸۳ق. (سند سال ۱۲۸۴ق.، درخصوص قرارداد امتیاز جنگل‌های بحر خزر با میرزا مسعودخان، کارپرداز حاجی‌ترخان)؛ آدمیت و ناطق، پیشین، ص ۷۸۲.

۹- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۲۶-۱۲-۱۲۸۵-۱۲۸۳ق. (سند سال ۱۲۸۵ درخصوص امتیاز فروش چوب آشوراده به نجفقلی، کارگزار وزارت خارجه در استرآباد).

۱۰- همان، ۳و۲و۱-۲۷-۱۳-۱۲۸۶ق.

۱۱- همان، ۱۶-۲۰-۱۲۹۸ق. (سند تاریخ ۲۰ جمادی‌الآخر ۱۲۹۸، درخصوص قرارنامه جنگل میان ناصرالدین شاه و میرزا علی‌خان امین‌الملک).

۱۲- ویلهلم لیتن، *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی* (۱۸۶۰-۱۹۱۹م.)، ترجمه مریم میراحمدی (تهران: معین، ۱۳۶۷)، ص ۱۲۹.

۱۳- ناطق، پیشین، ص ۳۹.

۱۴- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۵-۱۸-۱۳۰۳-۱۳۰۱ق. (سند نوشته خرید یکصد هزار اصله چوب شمشاد و یادداشت دو فقره اجازه حمل چوب‌آلات شمشاد در سال ۱۳۰۱ق. به برادران کوسیسی).

۱۵- ناطق، پیشین، صص ۳۶ و ۳۷.

۱۶- همان، صص ۳۷ و ۳۸.

۱۷- همان، صص ۳۸ و ۳۹؛ اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۴-۲۰-۱۳۰۷-۱۳۰۶ق. (اسناد سال ۱۳۰۷، درخصوص واگذاری امتیاز چوب شمشاد به برادران کوسیسی و توفیلاکتوس تبعه روس)؛ همان، ۱۳-۲۱-۱۳۰۹-۱۳۰۸ق. (سند سال ۱۳۰۸، درخصوص اعطای امتیاز چوب شمشاد به برادران کوسیسی و توفیلاکتوس).

۱۸- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱-۲۴-۱۳۱۱ق. (سند سال ۱۳۱۲ق.، درخصوص اعطای امتیاز جنگل های مازندران، گیلان و استرآباد به تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتوس).

۱۹- همان، ۶-۲۲-۱۳۱۷ق. (سند تاریخ ۱۴ رجب ۱۳۱۷ق.، درخصوص تمدید قرارداد چوب آلات دولت علیّه ایران از خاک آستارا تا استرآباد با تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتوس).

۲۰- همان.

۲۱- همان.

۲۲- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۶-۲۲-۱۳۱۷ق. (اسناد مربوط به تمدید قرارداد تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتوس، شامل سندهای نوشته وکیل تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتوس (شارل) به مشیرالملک، وزیر لشکر، اسناد تاریخ صفر و ربیع الاول ۱۳۱۷ق.، درخصوص تقاضای مسیو شارل وکیل تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتوس، در مورد تمدید قرارداد).

۲۳- همان (سند شعبان ۱۳۱۷ق.، درخصوص سواد مراسله وزارت خارجه به سفارت روسیه، در مورد تجدید امتیاز قرارداد با تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتوس).

۲۴- همان (سند ۱۷ رجب ۱۳۱۷ق.، درخصوص سواد قرارنامه چوب آلات از طرف صدارت عظمی).

۲۵- همان، ۶-۲۱-۱۳۲۰ق. (سند سواد کاغذ وزارت امور خارجه به کارگزاری مازندران، درخصوص اختلافات محمدعلی معینالتجار بارفروشی با تجارتخانه کوسیسی

و توفیلاکتوس درخصوص چوب آلات)؛ همان، ۱۳-۲۱-۱۳۲۲ق. (سند سواد کاغذ وزارت امور خارجه به معینالتجار بارفروشی، به تاریخ ۲۸ شهر شوال ۱۳۲۲ق.)؛ همان (سند شعبان ۱۳۲۲ق. از کارگزاری خارجه مازندران به وزارت امور خارجه، درخصوص اختلاف کوسیسی و میرمحمدعلی معینالتجار)؛ همان، ۱۰۶-۱۰-۱۳-۱۳۲۲ق.

۲۶- همان (سند ۵ شهر ربیع الاول ۱۳۲۲، درخصوص سواد کاغذ وزارت خارجه به کارگزاری استرآباد).

۲۷- همان (سند سال ۱۳۲۲ق. [رمضان] عرض و استدعای میرمحمدعلی معینالتجار بارفروشی به وزارت امور خارجه).

۲۸- همان، ۴-۲۲-۱۹-۱۳۲۳ق.

۲۹- همان (سند سواد کاغذ به کارگزاری مازندران، از سوی وزارت امور خارجه، درخصوص پایان نیافتن امتیازنامه چوب آلات).

۳۰- همان، ۴-۲۲-۱۹-۱۳۲۳ق. (سند سواد کاغذ به کارگزاری مازندران از سوی وزارت خارجه، درخصوص پایان نیافتن امتیازنامه چوب آلات).

۳۱- همان، ۲-۲۷-۱۳۲۴ق. (سند ۱۵ شهر ربیع الاول ۱۳۲۴، در مورد سواد تلگراف اتابک اعظم به ناصرالدیوان نایبالحکومه مازندران، درخصوص شکایت برادران کوسیسی از ضرب و شتم عاملان تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتوس در علی آباد (کجور)؛ همان، (سند ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۴ق.، تلگراف از بارفروش به طهران درخصوص ضرب و شتم عاملان تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتوس)؛ همان، (سند ۱۴ شهر شوال ۱۳۲۴، درخصوص برخورد رعایای صلاح الدین قلعه با عاملان تجارتخانه کوسیسی)؛ همان، ۱-۹-۲۵-۱۳۲۴ق.

۳۲- همان، ۲-۲۷-۱۳۲۴ق. (سند تاریخ شهر ذیحجه ۱۳۲۴ق.، نمره ۸۰۹۲، درخصوص نامه وزارت جلیله داخله اداره گیلان، درخصوص تجار و رعایای رشت که به مجلس شورای ملی از حمل چوب آلات اظهار تظلم کرده‌اند).

- ۳۳- چارلز عیسوی، *تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار* (۱۸۰۰-۱۹۱۴ م.)، ترجمه یعقوب آژند، چاپ ۲ (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹)، ص ۳۲۴.
- ۳۴- محمدعلی جمالزاده، *گنج شایگان* (تهران: کتاب تهران، ۱۳۶۲)، ص ۹۲.
- ۳۵- همان، ص ۹۱.
- ۳۶- احمد سیف، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم* (تهران: نشر

چشمه، ۱۳۷۳)، صص ۶۲ و ۶۳.

۳۷- همان، ص ۶۲.

۳۸- رایینو، پیشین، ص ۴۵.

۳۹- احمد اشرف، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه* (تهران: زمینه، ۱۳۵۹)، صص ۶۳ و ۶۴؛ لیتن، پیشین، صص ۱۲۸ و ۱۲۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

